

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.36, No.4

Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

ایلیا گرشویچ / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده
الیو برانکافورته / روزچهر مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانیینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنک ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۳)
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش:

♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



چاپ نوشت (۲۱)

محمد رمضانی: پل انتقال و تداوم میراث مکتوب در گذار از قاجار به پهلوی

مجید جلیسه

| ۱۳۵ - ۱۶۲ |

۱۳۵

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

چکیده: مؤلف در نوشتار حاضر به معرفی یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های کتاب‌گزار در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی یعنی محمد رمضانی می‌پردازد. نویسنده در این مقاله ضمن اشاره به زندگی حرفه‌ای او، می‌کوشد چگونگی شکل‌گیری کتابخانه شخصی محمد رمضانی و هدف بزرگی که در پس آن بوده است، یعنی راه‌اندازی یک کتابخانه عمومی بزرگ با نام کتابخانه حضرت ولی عصر (عج) در قم را تبیین کند. اشاره به ابعاد این کتابخانه و جایگاه و اهمیت آن در حفظ و نگهداری آثار چاپی و انتقال آن به نسل آینده از جمله مطالبی است که نویسنده در این مقاله بدان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: محمد رمضانی، کتابخانه مسجد اعظم، مجموعه‌سازی، قاجار، پهلوی، کتاب‌های چاپی.

Notes on Publishing Books (21): Mohammad Ramazani - A Bridge for the Transmission and Continuity of the Written Heritage from the Qajar to the Pahlavi Era
Majid Jalisch

Abstract: In this article, the author introduces one of the most important figures in the field of publishing and book culture during the late Qajar and early Pahlavi periods-Mohammad Ramazani. Alongside an overview of his professional life, the article seeks to explain the formation of Ramazani's private library and the major goal behind it: the establishment of a large public library in Qom under the name *Hazrat Vali-Asr library*. The study also discusses the dimensions of this library and its role and significance in preserving printed works and ensuring their transmission to future generations.

Keywords: Mohammad Ramazani; Mosque of A'zam Library; collection building; Qajar period; Pahlavi period; printed books.

مقدمه

کتابخانه‌های شخصی و یا عمومی که بعد از ظهور صنعت چاپ در ایران^۱ نسبت به جمع‌آوری منابع چاپی اهتمام داشتند، از تعداد انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود. تنها کتابخانه‌ای که منبعی ارزشمند از منابع چاپی روزگار در دوره قاجار به شمار می‌رود، کتابخانه سلطنتی ایران است.^۲ این کتابخانه به همت فتح‌علی شاه قاجار راه‌اندازی و پادشاهان بعد از او یکی پس از دیگری نسبت به جمع‌آوری و نگهداری منابع در آن همت داشتند، خاصه در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار که طیف وسیعی از منابع چاپی اروپایی و دیگر کشورها به زبان‌های لاتین (فرانسه، انگلیسی، آلمانی، روسی، عربی، ترکی و ...) و فارسی را در خود جای می‌دهد. اما کتابخانه سلطنتی ایران کتابخانه‌ای مخصوص پادشاهان قاجار بود و تقریباً هیچکس اجازه استفاده و دسترسی به منابع این کتابخانه را در آن روزگار نداشت.

هرچند معدود کتابخانه‌های دولتی، عمومی و ملی در روزگار قاجار شکل می‌گیرد^۳، اما ضعف بزرگ همگی این کتابخانه‌ها فقدان ساختاری اداری، کمبود بودجه و امکانات لازم برای مجموعه‌سازی و فراهم‌آوری مناسب منابع بود. در حالی قانون واسپاری کتاب به کتابخانه ملی ایران در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ق تصویب می‌گردد^۴، که ما هیچ کتابخانه ملی به شکل رسمی و مصوب در ایران نداریم و همین موضوع موجب می‌گردد تا تعداد فراوانی از کتاب‌های چاپ شده در آن روزگار هیچ ملجأ و مأوایی برای به سامان گشتن پیدا نکنند و در خوشبینه حالت‌ترین شکل ممکن در گوشه گوشه این کشور پراکنده افتند. در کنار این وضعیت

۱. چاپ و نشر کتاب فارسی در ایران با انتشار رساله جهادیه نگاشته میرزا عیسی قائم مقام فراهانی به سال ۱۲۳۳ق آغاز می‌گردد.
۲. جهت آشنایی با این کتابخانه و منابع چاپی موجود در آن رجوع کنید به: فهرست کتاب‌های چاپی (سربی، سنگی) کتابخانه سلطنتی ایران، اسماعیل شیخ‌المشایخ امیرمعزی، تصحیح و تحقیق مجید جلیسه، قم، وراقان، ۱۴۰۲.
۳. درباره تأسیس کتابخانه‌های دولتی و عمومی در ایران دوره قاجار رجوع کنید به: «چاپ نوشت (۱۲): کتابخانه مدرسه دارالفنون در دوره قاجار»، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و پنجم، شماره اول (پیاپی ۲۰۵)، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳، صص ۳۹-۶۰؛ «چاپ نوشت (۱۳): نخستین تلاش‌ها برای راه‌اندازی کتابخانه‌های عمومی و ملی در دوره قاجار»، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و پنجم، شماره دوم (پیاپی ۲۰۶)، خرداد و تیر ۱۴۰۳، صص ۷-۴۹؛ «چاپ نوشت (۱۴): کتابخانه ملی طهران در دوره مشروطه و فهرست کتاب‌های آن»، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و پنجم، شماره سوم، (پیاپی ۲۰۷)، مرداد و شهریور ۱۴۰۳، صص ۲۵-۸۶.
۴. «ماده پنج: از هر نسخه که بطبع میرسد چاپ کننده دو نسخه برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات می‌فرستد در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و در سایر بلاد بشعب وزارت علوم و اداره معارف می‌فرستند در هر صورت قبض رسید دریافت میکنند و در آن قبض باید عنوان کتاب و عده نسخ آن که بطبع رسیده مذکور باشد چاپ کننده بموجب این فصل ملتزم شرعیت که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادی باشد بسته بنظر حاکمه قضیه رجوع کنید به: قانون مطبوعات، طهران: مطبعه شاهنشاهی، ۱۳۲۶ق.

نه وزارت معارف و نه اداره انطباعات به دنبال ثبت رسمی و دقیق عناوین کتاب‌های چاپی بودند و نه ساختاری برای تدوین کتابشناسی جامع از کتاب‌های چاپی منتشره در ایران وجود داشت. بنابراین نه اصل کتاب‌ها، مجلات، اعلان‌ها و منابع چاپی دیگر در جایی محفوظ می‌ماندند و نه اطلاعات آنها در جایی ثبت می‌گردید.

در دوره قاجار و بعد از آن به‌طور کلی تا مدت‌ها این کتابخانه‌های شخصی هستند که به‌شکلی غیر رسمی، پراکنده و البته غیرساختارمند مسئولیت مجموعه‌سازی و حفظ آثار چاپی و انتقال آن به نسل‌های بعدی را عهده‌دار هستند. تفکر ایجاد کتابخانه ملی ایران هرچند در دوره پیش از مشروطیت در ایران شکل گرفته و تلاش‌های مذبوحانه‌ای برای ایجاد آن انجام می‌گیرد. اما عملاً در اواخر دوره پهلوی اول است که در ایران به‌شکلی رسمی و قانونی کتابخانه ملی تأسیس و راه‌اندازی می‌گردد. نسخه‌های خطی به جهت قیمت و ارزشی که داشتند همواره مورد توجه بسیاری از دانشمندان و حتی تجار و ثروتمندان بودند و خرید و نگهداری از آنها نه فقط به بهانه حفظ دانش بلکه به جهت سرمایه‌گذاری و فخرفروشی نیز مد نظر طبقه بالادست جامعه بود. اما کتاب‌های چاپی فارغ از محتوای آن‌ها هیچ ارزشی برای این طبقه نداشت و جمع‌آوری و نگهداری از این قبیل کتاب‌ها در دستور کار نبوده است. ازین رو فقدان کتابخانه‌ای ملی که یکی از مهم‌ترین وظایف آن جمع‌آوری آثار چاپ شده در ایران و یا مرتبط با ایران است و همچنین عدم اقبال طبقه بالادست جامعه به این قبیل از آثار موجب بی‌توجهی و یا کم‌توجهی بسیاری به منابع چاپی و ازین رفتن بسیاری از این منابع شده است.

با این تفصیل در دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی محدود افرادی بودند، که کتاب را به‌ما هو کتاب می‌ستوده و محتوای کتاب فارغ از قدمت و قامت آن برایشان حائز اهمیت بود و هر کتابی که در این سرزمین و یا مرتبط با این سرزمین چاپ و منتشر شده بود را خریداری، حفظ و نگهداری می‌نمودند. هرچند تعداد این افراد از تعداد انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود اما اگر بخواهیم این افراد را طی یک لیست معرفی نمائیم، بدون شک محمد رضضانی در بالاترین نقطه این فهرست کتاب‌دوستان قرار می‌گیرد.

محمد رضضانی

محمد رضضانی در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در خاندان ناشران پدرپیشه و نشرپرور به دنیا آمد. پدرش میرزا علی اصغر (ناشر و کتابفروش) و پدر بزرگش رضضانعلی تاجر کاشانی او نیز از جمله ناشران و کتابفروشان معروف عصر خود به‌شمار می‌رفت. به گفته خود اوست که «کتاب در میان خانواده ما نقش اساسی داشت. من از بچگی با کتاب آشنا شدم، برای این که پدرم را همه

کتابفروش صدا می‌زدند و عنوان تلگرافی اش هم کتاب فروش بود. خودم هم یادم می‌آید که از بچگی عشق و علاقه‌ی غریبی به کتاب داشتم. دایم با آن ورمی‌رفتم و همه‌ی عشقم را کتاب به خودش اختصاص داده بود. وقتی دوره‌ی ابتدایی را در مدرسه‌ی سلطانی تمام کردم، مدیر مدرسه کلاس‌های متوسطه را هم برای ما روبه‌راه کرد و کتابخانه‌ی مدرسه را هم در اختیار من گذاشت. این منتهای آرزوی من بود» (قاسمی ۱۳۹۳، ۷). محمد رضانی پس از مدرسه‌ی سلطانی برای ادامه‌ی تحصیل به مدرسه‌ی سیاسی رفت و از محضر استادانی همچون محمدعلی ذکاالملک فروغی، اقبال، میرزا طاهر، فروزانفر، پورداد و فاضل تونی بهره‌یاب شد (آذرنگ و دهباشی ۱۳۹۳، ۹۰).

قرائتخانه‌ی اتفاق سرآغازی برای یک رؤیای بزرگ

اولین تلاش‌های محمد رضانی برای راه‌اندازی یک کتابخانه را می‌توان با راه‌اندازی قرائتخانه‌ی اتفاق همزمان دانست. وی این قرائتخانه را در اسفند سال ۱۳۰۰ ش/۱۹۲۲ م با هدف ایجاد مکانی برای مطالعه‌ی مردم تأسیس می‌کند. محل این قرائتخانه در ابتدا واقع در خیابان فرمانفرما، جنب مهمان‌خانه‌ی اقتصاد بود (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۲، ۷۷) که البته بعد از هفت ماه فعالیت آنرا به بالای پست‌خانه واقع در همان خیابان فرمانفرما مقابل خیابان ارامنه منتقل می‌نماید (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۲، ۷۸). در یکی از آگهی‌هایی که درباره‌ی فعالیت این قرائتخانه در روزنامه‌های آن روزگار درج گردیده چنین آمده است:

«اخطار و بشارت

خاطر عموم معارف‌پروران را مستحضر می‌نماید در خیابان فرمانفرما، جنب مهمان‌خانه‌ی اقتصاد به‌تازگی قرائت‌خانه‌ای به نام اتفاق دایر گردیده و همه‌نوع کتاب علمی و ادبی و اخلاقی و تاریخی و رمان و جراید مجلد و جراید داخله برای قرائت مجاناً حاضر است. کتب ذیل در قرائت‌خانه‌ی مزبور به فروش می‌رسد:

روکامیول دوره‌ی ۵ جلد، تاجگذاری شاه سلیمان، تاورنیه، کورس، سرآنتوان شرلی

در خاتمه از مدیران محترم جراید مرکزی که تا به حال جراید خودشان را برای قرائت‌خانه‌ی ما ارسال فرموده‌اند تشکر می‌نماییم.

از طرف شرکاء، مدیر محمد» (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۲، ۷۷)

این قرائتخانه همه‌روژه از چهارساعت به‌ظهور الی ظهر و از سه بعد از ظهر الی یک ساعت و نیم از شب گذشته باز بود و آقایانی که مایل به قرائت مجلات و روزنامه‌ها و کتاب‌ها بودند می‌توانستند با حضور در این قرائت‌خانه به‌صورت رایگان به مطالعه بپردازند. (کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۲، ۷۷)

متأسفانه این تجربه سرانجام خوبی ندارد و بعد از حدود یکسال فعالیت به علت عدم استقبال مردم در ۸ اسفند سال ۱۳۰۱ طی یک آگهی انحلالش اعلام می‌گردد:

«اخطار

قرائتخانه اتفاق به مناسبت عدم استفاده مردم از مؤسساتش مبتذل و مورد استفاده‌های نامشروع واقع شدن قرائت‌خانه، منحل و در عوض کتاب‌خانه شرق تأسیس شد.

محمد رمضانی» (کوهستانی نژاد ۱۳۸۲، ۷۹)

محمد رمضانی و تأسیس انتشارات شرق و خاور

رمضانی در زمان گرداندگی قرائت‌خانه اتفاق، ناشر شد و نخستین کتاب مؤسسه خود را با عنوان رساله اقتصاد نوشته صادق رضا زاده شفق (۱۳۵۰-۱۲۷۴ش) در تیرماه ۱۳۰۰ به چاپ رساند (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۰). اما بعد از انحلال قرائتخانه اتفاق چنانچه در آگهی پیشین دیدم، او راه اندازی کتاب‌خانه شرق و یا همان انتشارات شرق را رسماً اعلام می‌نماید. کتابخانه شرق در خیابان ناصریه (ناصرخسرو فعلی) برپا شد. این کتابسرا در روزگاری تأسیس شد که شمار باسوادان و کتابخوانان اندک بود اما رمضانی در اندیشه می‌پخت که چاپ و نشر را متحول کند و کسادی فروش کتاب را درهم شکند و بازار پررونق پدید آورد:

«شاگرد مدرسه سیاسی بودم پدرم رفته بود اروپا... پولی از یکی از رفقا قرض کردم و یک کتابفروشی به راه انداختم. ضمن کتابفروشی شب‌ها هم کار می‌کردم، می‌رفتم روزنامه‌های شفق سرخ و کوشش را تصحیح می‌کردم تا پولی برای راه‌انداختن کتابفروشی تهیه کنم... کارم یواش یواش بالا گرفت...» (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۰) در سال ۱۳۰۶ رمضانی کتابفروشی شرق را به برادرش محمود رمضانی واگذار کرد و خود مؤسسه خاور را که بعدها به کلاله خاور تغییر نام داد، بنیاد نهاد (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۲).

شهرت انتشارات خاور تا بدانجا پیش می‌ورد که بازتاب تلاش‌های مؤسسه خاور را در روزنامه‌ها و مجله‌های همان سال‌ها می‌توان خواند: «در ایران کمتر آدم باسوادی پیدا می‌شود که این اسم را نشنیده و از مطبوعات آن استفاده نکرده باشد، زیرا اقلاً ثلث از کلیه کتبی که در سال‌های اخیر در ایران طبع شده است از نشریات مؤسسه خاور است» (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۴)

پرویز ناتل خانلری در خاطرات خود می‌گوید: «اولین کتابی که ترجمه کردم و چاپ شد دختر سروان از پوشکین بود. آن هم وقتی بود که محصل کلاس چهارم دبیرستان بود. محمد رمضانی

مدیر مؤسسه کلاله خاور آن را چاپ کرد (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۸). مجید موقر سردبیر روزنامه مهر در تقریظی که برای چاپ جدید شاهنامه توسط انتشارات کلاله خاور منتشر می‌کند درباره این انتشارات اینچنین می‌نویسد:

«دهسال پیش در یکی از دکانهای جانب غربی خیابان ناصریه کتابخانه کوچکی تأسیس شد. قفسه‌های این کتابخانه رنگ و رویی نداشت. کتابهای معدود آن نیز چنگی بدل نمیزد. شاید مراجعه‌کنندگان، این کتابخانه را نیز در ردیف سایر کتابخانه‌های یک‌شکل و متعدد آن خیابان می‌شمردند. ولی درین کتابخانه دلی بلندپرواز و متهور بود ... کتابخانه کوچک خیابان ناصریه بنشر افسانه‌ها و داستانهایی که دلپسند عامه بود دست زد و در اندک زمانی نام آن بر سر زبانها افتاد. کم‌کم این کتابخانه بزرگ شد. هر ماه و بلکه هرهفته کتاب تازه‌ای منتشر ساخت. اگر مؤسس آن در آغاز تأسیس کتابفروشی کوچکی بود پس از چند سال ناشر بزرگی شد...» (موقر ۱۳۱۲، ۲۶۴)

اولین ماهنامه اطلاع رسانی کتاب در ایران یا اولین نشریه کتابشناختی ایران

بعد از انتشار اولین کتاب چاپی به زبان فارسی در ایران یعنی رساله جهادیه میرزا عیسی قائم مقام فراهانی به سال ۱۲۳۳ق تا سالهای سال دغدغه دسترسی به اطلاعات کتاب‌های چاپی منتشره در ایران مطرح نبود. در حالی که طی حدود یک قرن آمار چاپ و انتشار کتاب از سالی یک یا دو عنوان به صدها عنوان می‌رسد و تنها در دوره قاجار شاید بتوان گفت که قریب ۲۰ هزار عنوان کتاب در ایران چاپ و انتشار پیدا نموده است. اما فهرستی که به صورت ماهنامه، دوماهنامه و یا حتی سالیانه و یا هرده سال یکبار اطلاعاتی از کتاب‌های منتشره در ایران، همانند آنچه مثلاً در کتابشناسی فرانسه از نوامبر سال ۱۸۱۱م. منتشر می‌گردید، ارائه دهد وجود نداشت.

Bibliographie de la France, ou Journal général de l'imprimerie et de la librairie, 1811.

اولین تلاش‌ها برای تدوین کتابشناسی منظمی از کتاب‌های چاپ شده در ایران توسط محمد رمضانی و در سال ۱۳۱۱ شمسی انجام می‌گیرد. او با راه‌اندازی مجله‌ای با نام کتاب تلاش می‌کند تا فهرستی جامع از کتاب‌هایی که طی چند سال اخیر چاپ و منتشر شده است ارائه نماید. مجموعه‌ای که در هر ماه دو نمره طبع می‌شود، به نام کتاب و به منزله فهرست جامعی است که اقسام اطلاعات راجع به کتاب در آن درج می‌شود (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۵). در صفحات آغازین جزوه اول این نشریه نوشته است: «یکی از چیزهایی که برای علاقه‌مندان به کتاب نهایت ضرورت را دارد داشتن فهرست جامعی است از کتبی که به زبان فارسی طبع و نشر شده است. در ممالک متمدنه که عدد نشریات هر کتابخانه پس از تمام کتبی

است که ده ساله اخیر در ایران طبع شده است فهرست جامع و مفید وجود دارد به طوری که برای جوینده کتاب اشکالی باقی نمی‌گذارد. ولی چون نشریات فردافرد کتابخانه‌های ایران بسیار معدودست و به زحمت تهیه فهرست ارزش ندارد نمی‌توان امیدوار بود که در این نزدیکی ها فهرستی جامع برای کتب مطبوعه فارسی تهیه شود و اشکال طالبان کتاب را مرتفع سازد.

مؤسسه خاور که بزرگترین مؤسسه نشر کتاب در ایران است برای تکمیل خدمات خود مصمم شده است که این نقیصه را جبران موده و با تحمل ضررهایی که در این راه متوجه شده فهرست جامعی از کتبی که در دوسه ساله اخیر در ایران یا در خارج از ایران (تاحدی که اطلاع بر آن ممکن است) طبع شده تهیه نموده و در دسترس عموم گذارد.

این فهرست شامل نام کتاب و مؤلف و محل طبع و اطلاعات مختصری راجع به موضوع کتاب می‌باشد. جزوات بعد این مجموعه صورت مجله پیدا می‌کند و علاوه بر کتبی که بعد از این طبع می‌شود و تکمیل کتب ده ساله و اطلاعاتی راجع به کتبی که قبل از این ده سال به زبان فارسی طبع شده مقالات انتقادی و اطلاعات مختلف و مهم متفرقه و کلیه موضوعات راجع به کتاب در آن درج می‌شود چون ممکن است کتب بسیاری در شهرهای ایران یا طهران و یا خارج از ایران به زبان فارسی طبع و در مجموعه کتاب ذکر از آن نشده باشد از مؤلفین و ناشران و دوستداران کتاب استدعا داریم که از کتب منتشره خود هرچه زودتر یک جلد به نام کتابخانه خاور ارسال دارند. در مقابل یکجلد از چهار جزوه مجموعه کتاب یا کتبی از نشریات مؤسسه خاور که قیمت آن با قیمت کتاب ارسال شده یکی باشد برایشان خواهیم فرستاد و این خود بهترین وسیله برای معرفی کتب و نشریات مؤلفان و ناشرین محترم خواهد بود. در صورتی که به ارسال کتاب میل نداشته باشند نیز ممکن است شرح مختصری از اسم کتاب و مؤلف و طابع و محل طبع و تاریخ آن‌ها نوشته برای ما ارسال دارند تا در مجموعه کتاب درج گردد. (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۹)

کتاب را می‌توان یکی از مهمترین پایه‌های مجموعه‌سازی در کتابخانه محمد رمضان دانست. رضانی با فهم اهمیت نگارش کتابشناسی جامعی از آثار چاپ شده در ایران و خارج از ایران به احاطه‌ای کم‌نظیر بر این آثار می‌رسد. و با همین تسلط و نگاه کتابشناسانه‌اش بود که توانست مجموعه‌ای نسبتاً جامع و کامل از کتاب‌های روز ایران و خارج از ایران را در کتابخانه خود گردآوری نماید.

محمد رضانی و رؤیای یک کتابخانه بزرگ

در همان سالهایی که محمد رضانی تصمیم به تأسیس یک کتابخانه عمومی می‌گیرد، بزرگترین کتابخانه ایران یعنی کتابخانه عمومی معارف دارای حدود ۱۶ هزار جلد کتاب بود (پوراحمد

جکتاجی (۱۳۵۷، ۱۶)، بعدتر بخش منابع چاپی کتابخانه سلطنتی و کتابخانه دارالفنون نیز در این کتابخانه ادغام و به سال ۱۳۱۶ به عنوان کتابخانه ملی ایران معرفی می گردد. هرچند آمار دقیقی از کتابخانه ملی ایران در حدود سالهای ۱۳۴۶ در دست نیست، اما آمار کتاب های چاپی این کتابخانه بین ۴۰ تا ۹۰ هزار جلد کتاب اعلام گردیده است (پوراحمد جکتاجی ۱۳۵۷، ۴۲). با نگاهی به مجموع کتاب هایی که محمد رضانی به تنهایی و به صورتی فردی طی حدود سی و سه سال تلاش شبانه روزی جمع نموده و عدد آن بالغ بر ۴۰ هزار جلد کتاب بدون تکرار است، به خوبی می توان به عظمت تلاش های این بزرگمرد عرصه کتاب و جایگاه ارزشمند کتابخانه او پی برد.

محمد رضانی تصمیم گرفته بود که این کتابخانه را به شهر قم منتقل نماید و در این خصوص مهدی آذریزدی از قول او اینچنین گفته است که: «... حاجی گفت می خواهم بچه ها را به ثمر برسانم و کتابفروشی اینجا را جمع کنم و بروم قم یک خانه بزرگ جادار بخرم و کتابخانه را که در میان کتابخانه های شخصی و خصوصی در تهران نظیر ندارد به قم منتقل کنم. در تهران همکار اهل معنی کم است، در قم طلاب علوم دینی فراوان اند که کار کتاب را دوست می دارند و توقع زیادی هم ندارند. در آن جا می خواهم یک مؤسسه نشر مانند دستگاه دایره المعارف حیدرآباد دکن برپا کنم و صدها و هزاران کتاب نایاب را تکثیر کنم و نزدیک است که به این آرزوی خود که عمری برای آن زحمت کشیده ام برسم» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۷)

خود محمد رضانی درباره اهمیت کتابخانه اش طی مصاحبه ای که در سال ۱۳۴۴ می نماید اینچنین می گفت: «یکی از نظر تعداد کتاب که هیچ کتابخانه ای این قدر کتاب ندارد. حسن دیگرش هم این است که کتابها تکراری نیست، یعنی از هر کتابی بیش از یک جلد نیست، مگر آن که کتاب چاپ های مختلف شده باشد. برای جلد کردن کتاب ها و تهیه فیش برای آن ها و فهرستی که منتشر خواهد شد و همچنین محل آبرومندی که برای آن بایستی ساخته شود، احتیاج به حداقل دویست هزار تومان پول داریم. برای تهیه این پول من حاضر سه باب مغازه کلاله خاور را با هفتاد هزار تومان کتاب موجودی آن به هرکس که مایل باشد بفروشم. همچنین خانه ام نیز می تواند به کرایه رود. و از این راه کمکی برای تأسیس کتابخانه باشد. زمینی هم در شهر ری درم که آماده فروش است. تنها استمداد من از مردم خیرخواه این است که قدمی پیش بگذارند، تا با فروش اینها بتوانیم وجوه مورد استفاده را تهیه کنیم». (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۶)

رضانی طی اعلانی دیگر، به طور رسمی نام کتابخانه و آماری کلی از این کتابخانه و محل راه اندازی آنرا ارائه می دهد.

«بشارت بزرگ: کتابخانه عمومی صاحب الامر (عج) با بیش از چهل هزار کتاب غیر مکرر به زودی در شهر قم دایر می شود. این کتابخانه شامل کتب زیر می باشد:

کتاب دینی ۳۲۰۰ جلد، عربی ۴۲۰۰ جلد، خطی عربی و فارسی ۳۲۰۰ جلد، تاریخی ۴۵۰۰ جلد، شعر ۲۲۰۰ جلد، ادبی و اخلاقی ۲۰۰۰ جلد، کلاسی ۳۰۰۰ جلد، رمان ۳۵۰۰ جلد، علمی و طبی و قانونی ۲۰۰۰ جلد، روزنامه ۳۰۰۰ جلد، مجله ۴۵۰۰ جلد، متفرقه ۲۵۰۰ جلد، زبان های خارجی ۳۵۰۰ جلد.

کتابفروشی رضانی وابسته و برای آماده کردن کتابخانه عمومی صاحب الامر در شهرستان قم (خیابان ارم روبه روی کوچه حرم) افتتاح شده انواع کتب دینی، عربی، تاریخی، شعر، ادبی و اخلاقی و متفرقه حتی داستان رمان و مجلات را می تواند در دسترس مشتریان محترم بگذارد (اگر موجود نباشد از مرکز تهران خواهد طلبید) و برای تکمیل کتابخانه حاضر است خواسته شما را با کتاب های تان مبادله کند و همچنین کتاب های شما را به قیمت عادلانه خریداری نماید» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۶).

او «جهت تحقق این امر مهم طی اطلاعیه ای کلیه اموال و املاک خود را به معرض فروش گذاشته بود تا با آن بتواند کتاب ها را فهرست و صحافی نموده و محل کتاب خانه را خریداری نماید، ولی این امر به دلیل مشکلات جامه عمل به خود نپوشید...» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۷) به نظر می رسد با وجود تلاش های فراوان و حتی انتقال محمد رضانی و کتاب هایش به قم، این کتابخانه اجرایی نمی گردد و دست آخر با درگذشت ناگهانی محمد رضانی در تیرماه سال ۱۳۴۶ همه آرزوها و آمال این بزرگ مرد عرصه کتاب به باد می رود.

مجموعه سازی و گردآوری منابع کتابخانه ای توسط محمد رضانی

به طور کلی مجموعه سازی در کتابخانه محمد رضانی به دو صورت انجام گرفته است، بخش اندکی از کتاب ها به صورت موروثی و بخش زیادی از طریق خرید گرد هم آمده است. از آنجا که رضانی پدرپیشه بود و حتی جد بزرگ او نیز از طریق همین حرفه کتابفروشی امرار معاش می کرد، بسیار طبیعی و واضح است که علاقه به کتاب و جمع آوری آن در این خاندان مورثی باشد و برخی از کتاب های موجود نزد محمد رضانی نیز از پدر و یا جدش و حتی دیگر افراد خاندان به دست او رسیده باشد. از باب نمونه طی بررسی برخی از نسخه های خطی اهدایی او به کتابخانه مسجد اعظم قم می توان به یادداشت تملک حاج علی اصغر رضانی (۱۳۱۶-۱۲۵۰) پدر ایشان برخورد که از طریق پدر در اختیار او قرار گرفته است. برای نمونه می توان به نسخه خطی از

کتاب خلاصة المنهج الصادقین نوشته ملافتح الله کاشانی (د: ۹۸۸ق) به شماره ۱۰۸ (استادی، حسن زاده و طیار مراغی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ۱۳۸۸، ۳۱۴) اشاره نمود که نسخه ای کتابت شده توسط سیدولی و به امر محمدبخش خان به سال ۱۱۳۹ق است و یادداشت تملک حاج علی اصغر رضوانی به سال ۱۳۴۷ق را دارد.

«هو تعالی شأنه این مبارک کتاب که جلد اول از تفسیر خلاصة المنهج مرحوم مولی فتح اله کاشانی طاب ثراه و از سوره مبارکه فاتحه تا آخر سوره مبارکه کهف است در سنه ۱۱۳۹ هجری قمری در هندوستان نوشتن آن ختم و حال دویست و هشت سال است که نوشته شده فی آخر شعبان ۱۳۴۷ قمری هجری از مطالعه کنندگان مخصوصا ملتمس دعای خیر و طلب مغفرت می باشد اقل علی اصغر بن رمضانعلی غفرله و لوالدیه»

در کنار این یادداشت یادداشتی از محمد رضوانی است که حکایت به تملک این نسخه بعد از درگذشت پدرش دارد:

«درلیله ۲۱ شهر شوال المکرم ۱۳۶۱ جزء کتابخانه اینجانب گردید خدای مرحوم حاجی علی اصغر رضوانی پدرم را بیامزد از خوانندگان التماس دعای مخصوص برای مرحوم کتابفروش و خود حقیر میرود محمد رضوانی»

اما به هر روی بخش اعظم کتاب های کتابخانه محمد رضوانی از طریق جستجو و خرید از کتابفروشی ها و حتی کتابخانه های شخصی جمع آوری می گردد. جستجویی که به پشتوانه آگاهی، شناخت و نگاه کتابشناسانه او به عنوان یک فرد خبره در حوزه کتاب انجام می گیرد. رضوانی درخصوص چرایی و زمان جمع آوری و انگیزه تأسیس کتابخانه خود در تابستان ۱۳۴۴ اینچنین می گوید که: «سی و سه سال پیش بود که من تصمیم گرفتم برای آگاهی مردم کتاب خوان فهرستی از کتاب هایی که تاکنون در ایران چاپ شده، تهیه و در چند جلد به چاپ برسانم و در اختیار مردم بگذارم. وقتی شروع به این کار کردم، عملاً دچار سرگردانی و گرفتاری شدم. چون فهرستی که تهیه می کردم ناقص بود. برای این که همه آن کتاب ها را در اختیار نداشتم و به حدس و گمان و یا شنیدنی ها هم نمی شد اکتفا کرد. این بود که مصمم شدم و شروع به جمع آوری کتاب و مجله و روزنامه کردم (قاسمی ۱۳۹۳، ۱۹)»

این موضوع همزمان با راه اندازی و انتشار مجله کتاب در سال ۱۳۱۱ در ذهن محمد رضوانی شکل می گیرد و از قرار معلوم بعد از انتشار ۴ شماره از این مجله است که اراده او برای جمع آوری روزنامه ها، مجلات، کتاب ها و منابع چاپی غیر کتابی استوار می گردد. مهدی آذریدی که از

نویسندگان سرشناس ایران به شمار می‌رود و سابقه شاگردی و همکاری با محمد رمضان در آن روزگار دارد ضمن بیان خاطراتی شیرین ازین همکاری به چگونگی گردآوری کتاب و مجله برای کتابخانه نیز اینچنین اشاره می‌کند: «... حاجی یک کتابخانه خصوصی بزرگ و بسیار متنوع در طبقه سوم ساختمان داشت که به جانش بسته بود و درش هم به روی کسی باز نمی‌شد. یکی از برنامه‌های هر روز حاجی در تابستان و زمستان این بود که بعد از ظهر بلند کیسه‌ای بزرگ برمی‌داشت و پای پیاده به تمام گوشه کنار شهر، هر جا که روزنامه و مجله و کتاب‌های دست دوم خانگی را خرید و فروش می‌کردند برای پیدا کردن کسری‌ها و لازم‌ها سر می‌زد. همه دستفروشان هم حاجی را می‌شناختند و او را بهترین مشتری خود می‌دانستند که هر چه را جدا می‌کند به قیمتی بهتر از دیگران که باز هم از همه جا ارزانتر تمام می‌شد می‌خرد. و اول شب حاجی با کیسه پر از کتاب و مجله و روزنامه، خسته و عرق‌ریزان برمی‌گشت که از تمام ساعات دیگر خوش‌مشرب‌تر و کیفورتر بود. بلافاصله مرا مرخص می‌کرد و تا دیروقت شب در کتابخانه بالا به نظم و ترتیب آنها می‌پرداخت» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۲).

رمضانی در چگونگی جمع‌آوری منابع این کتابخانه اینچنین می‌گوید: «سی و دو سال است که شب و روز در کار جمع‌آوری کتاب‌ها هستم. چقدر در این راه به خودم رنج دادم! چقدر در این مدت زحمت کشیدم! یاد می‌آید که یک‌دست لباس خوب نپوشیدم، یک وعده غذای کامل نخوردم. پیاده به کارهایم می‌رسیدم تا از پولی که پس‌انداز می‌کنم، یک جلد کتاب هم که شده بتوانم بخرم. بسا روزها شده بود که با جیب پر به بازار می‌رفتم تا برای بچه‌هایم لباس یا چیزهای دیگر بخرم. وقتی که به خانه برمی‌گشتم، فکر می‌کنید چی تو دستم بود؟ کتاب بود آقا جان، کتاب بود! همیشه به فکرشم، تو خواب و تو بیداری. گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم که این یک دوستی کوچک و سرسری نبوده که بشود به این آسانی‌ها ازش گذشت، این عشق بوده، دیوانگی بوده، دیوانگی» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۵).

طی مصاحبه‌ای که روزنامه روشن‌فکر با او می‌کند گزارشگر درباره این کتابخانه اینچنین می‌نویسد:

«در کتابخانه‌اش که سه اتاق بزرگ خانه او را شامل است، بزرگ‌ترین مجموعه کتاب‌های فارسی را تهیه کرده است. آن‌هم نه در یک جلد نه صد جلد بلکه چهل هزار جلد کتاب و مجله و روزنامه از بدو چاپ در ایران و هزاران کتاب منحصر به فرد و خطی و اسناد تاریخی که در هیچ موزه و کتابخانه‌ای یافت نمی‌شود.

این رقم کمی نیست. دریایی است که در زیر مه و ابر ناپیدا و ناشناس مانده است. و همتی بزرگ و نیرویی سترگ می‌طلبد تا این گنج بی‌بدیل سروسامانی به خود بگیرد و مورد استفاده همه

واقع شود. تا قبل از این که به دیدارش بروم و از نزدیک او را بشناسم و مجموعه پرارزشش را با چشم‌های خود ببینم، خوره تردید و ناباوری دست از سرم برنمی‌داشت. یک بار دیگر اعلامیه‌ای را که منتشر کرده و یک نسخه از آن را برای دفتر مجله فرستاده بود، از نظر گذراندم و چشمم روی رقم چهل هزار جلد کتاب چهار میخ شد.

تعجبی آمیخته با تحسین مرا برداشت. رقم بزرگی بود. خیلی هم بزرگ! تا آن جا که اطلاع داشتم، در هیچ کجای دنیا، در هیچ کتابخانه‌ای چنین مجموعه پرارزشی از منابع زبان فارسی، یک جا پیدا نمی‌شود. (قاسمی، قباله کتاب، مطبوعات، چاپ: گزیده گنجینه موقوفه محمد رمضان ۱۳۹۷، ۴۹)

مجموعه‌سازی از کتابخانه دانشگاه تهران تا کتابخانه خاورمیانه دانشگاه یوتا

بدون شک محمد رضمانی یکی از بهترین و خبره‌ترین مجموعه‌سازها در تاریخ کتابداری ایران است، فردی بدون تحصیلات آکادمیک اما کتابشناس که از بدنه نشر بالیدن گرفته و از گذشته و حال کتاب در ایران و حتی خارج از ایران آگاه بود. با راه‌اندازی کتابخانه دانشگاه تهران ایرج افشار در مجموعه‌سازی این کتابخانه از تجربیات و دانش محمد رضمانی نیز بهره برده است (Afshar ۱۴۰۱، ۱۰۹). با استناد به یک سند برجای مانده مشخص می‌گردد که رضمانی نقش پررنگی در مجموعه‌سازی سایر کتابخانه‌ها و یا حداقل می‌توانیم مشخصاً بگوئیم کتابخانه دانشگاه یوتا^۱ داشته است. بعد از آنکه دکتر خسرو مستوفی (۱۳۷۱-۱۳۰۰)^۲ بخش خاورمیانه کتابخانه دانشگاه یوتا را راه‌اندازی می‌کند. محمد رضمانی نقش پررنگی در مجموعه‌سازی این کتابخانه ایفا می‌نماید. دکتر خسرو مستوفی (۱۳۷۱-۱۳۰۰) در مصاحبه با اورت کولی^۳ در ضمن تشریح فعالیت‌های خود در چگونگی تقویت بخش فارسی کتابخانه دانشگاه یوتا و مجموعه‌سازی برای این بخش می‌گوید:

«من وقت آنچنانی برای گردآوری این آثار صرف نکردم زیرا باید منابع را شناسایی می‌کردم. اما خوش شانس بودم که یک ناشر خوب که سال‌های دوست خانوادگی

1 . University of Utah.

۲. خسرو مستوفی در سال ۱۳۰۰ در تهران به دنیا آمد و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۳ موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته زبان انگلیسی گشت. او در سال ۱۳۲۸ به دانشگاه یوتا وارد و پس از نه سال موفق به اخذ درجه دکتری در علوم سیاسی گردید. وی از سال ۱۳۳۹ فعالیت خود در دانشگاه یوتا را آغاز نمود و علاوه بر تدریس علوم سیاسی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۱ ریاست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه یوتا را برعهده داشت. به کوشش او بود که کتابخانه دانشگاه یوتا به صورت یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های آمریکا درباره ایران درآمد (Nasr 1992).

3 . Everett Cooley.

ما بود به نام محمد رمضانی را می‌شناختم. او مالک و مدیر نشر خاور و آدم بسیار صادقی بود و شخصا به این پروژه علاقه‌مند شد و به من کمک کرد تا بیش از ۴۰۰۰ جلد کتاب و نشریه برای این کتابخانه با قیمت‌های پائینی تهیه نمایم. وقتی که مجتبی مینوی یکی از پژوهشگران بزرگ ایران به اینجا آمد و یکی از فاکتورها را بررسی کرد، گفت: رمضانی کتاب‌ها را به نصف قیمت به شما فروخته است و علاه بر آن بیست درصد تخفیف هم به شما داده است»، این به این دلیل بود که او شخصا به کتابخانه خاورمیانه ما علاقه‌مند شده بود. روزی به من گفت: شما اولین کسی هستید که بدون درخواست تخفیف برای خودش، برای خرید کتاب برای دانشگاه یا مدرسه به من مراجعه کرده‌اید. این درخواست او برای دادن چنین تخفیفی به من همین بود. او گفت: من با کلاهبردان معامله نمی‌کنم.^۱

در یکی از معدود اسناد برجای مانده از محمد رمضانی به یک نامه از او خطاب به دکتر خسرو مستوفی برمی‌خوریم که در آخرین ماه‌های زندگی‌اش به تاریخ ۲۶ فروردین سال ۱۳۴۶ / 1967 April 15^۲ که او خبر از راه‌اندازی کتابخانه خود در قم می‌دهد (تصویر شماره ۱):

«جناب آقای دکتر مستوفی

پس از تقدیم عرض ارادت با کمال تأسف از اینکه بنده هنوز چنانکه آرزو داشتم برکارم مسلط نشده‌ام زیرا بنده مشغول در قم عمارت مفصلی برای کتابخانه شخصی خودم بسازم و خرج آن فوق طاقت بنده است ولی امیدوارم بیاری خدا موفق گردم و روزی بشما اطلاع دهم که کتابخانه اینجانب در شهر قم با بیش از چهل هزار جلد کتاب در دسترس طالبین و خوانندگان قرار گرفته است.

فاکتور را دادم چاپ کنند و همین چند روز حسب دستور آنرا پرکرده ارسال میدارم و همچنین قدری مجلاتی که خواسته بودید خواهم فرستاد.»

۱۴۸

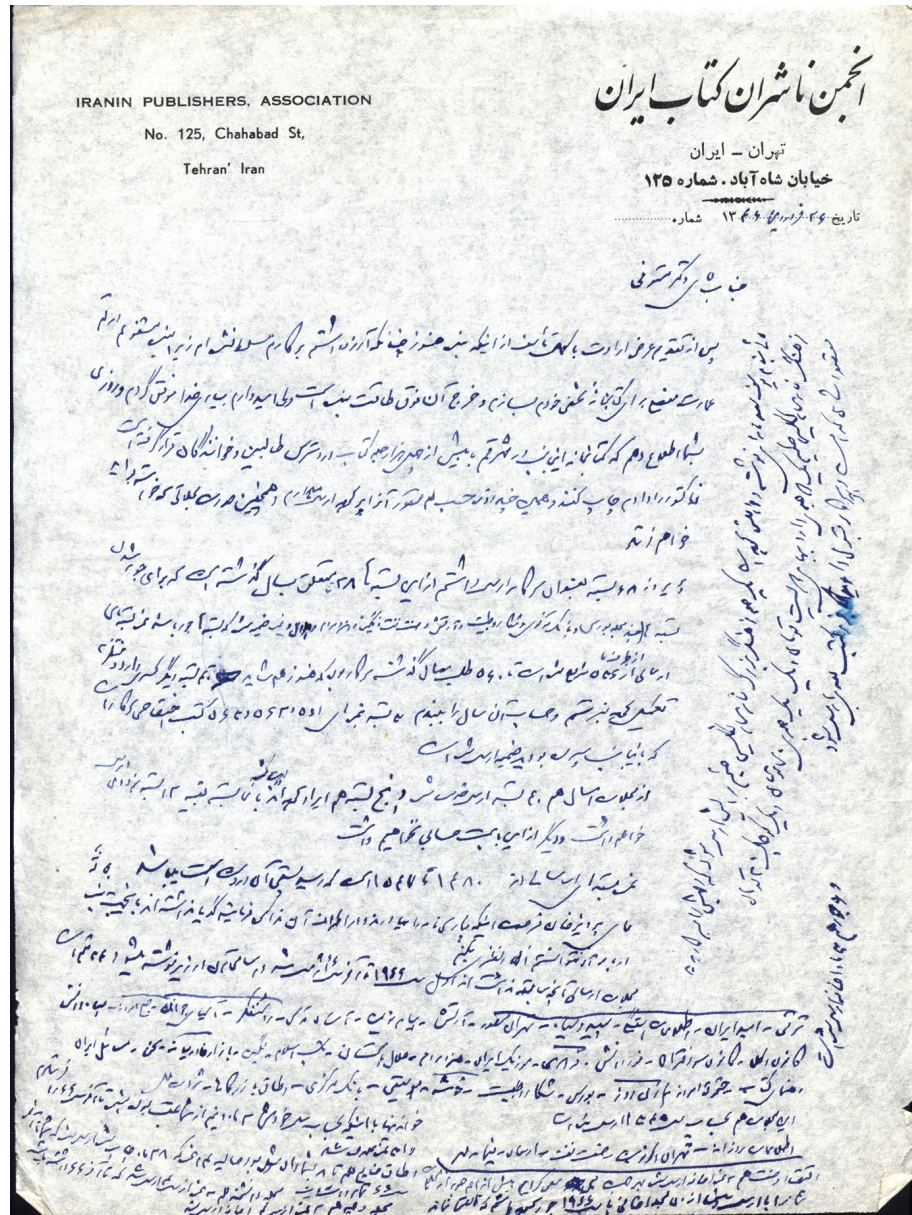
آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

1. Khosrow Mostofi, Salt Lake City, Utah: an interview by Everett Cooley, 30.

۲. این سند که به تازگی توسط دکتر رسول جعفریان خریداری و به لطف ایشان در اختیار من گذاشته شده است همینک در کتابخانه تاریخ اسلام و ایران در شهر قم نگهداری می‌گردد.



تصویر ۱. نامه محمد رضایی به دکتر مستوفی (کتابخانه تاریخ اسلام و ایران - قم)

۱۴۹

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

PURCHASE ORDER		
UNIVERSITY OF UTAH		
PURCHASING DEPARTMENT		
to KHAVAR BOOKSTORE		
Quantity	DESCRIPTION	Price
۲۵	Tihran-i-Musavvar	
۲۶	Illila'at-i-Haftizi	
۲۷	Umid-i-Iran	
۲۸	Taraghi	
۲۹	Rawshanfikr	
۳۰	Firdawst	
۳۱	Ittila'at-i-Banuwan	
۳۲	Sepid-o-Siyah	
۳۳	Zan-i-Imruz	
۳۴	Asiya-yi-Javan	
۳۵	Sobh-i-Imruz	
۳۶	Shikar-o-Tabi'at	
۳۷	Amuzish va Parvarish	
۳۸	Artish	
۳۹	Amar	
۴۰	San'at'i'Naft	
۴۱	Ilmi-va-Fanni	
۴۲	Misigi	
۴۳	Muzd-i-Mardum	
۴۴	Bank-i-Markazi	
۴۵	Majmu'ih-ye-Hoquqi	
۴۶	Kanun-i-Vakala	
۴۷	Kanun-i-Sardaftaran	
۴۸	Astan-i-Quds	
۴۹	Sepah-i-Danish	
۵۰	Ittil'at	
۵۱	Rahnema-ye Ketab	

۱۵۰

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

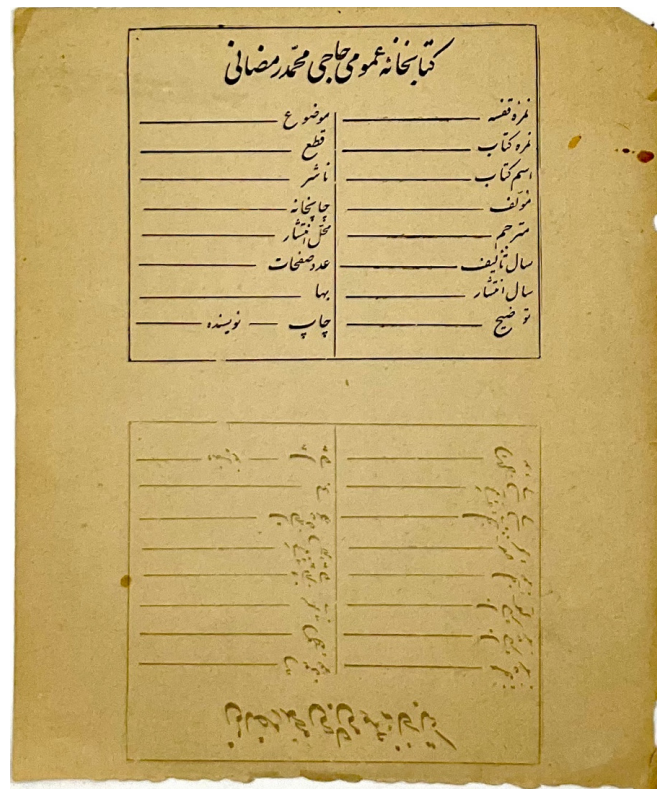
مهر و آبان ۱۴۰۴

تصویر ۲. لیست تقاضای روزنامه و مجلات دانشگاه یوتا به محمد رضانی (کتابخانه تاریخ اسلام و ایران - قم)

فهرست نویسی مجموعه محمد رضانی

رضانی در میانه راه جمع آوری کتاب هایش اندیشه فهرست نویسی و سازماندهی منابع کتابخانه خود را داشت، او طی یادداشتی در مجله شرق به این موضوع اینچنین اشاره می کند:

«اگر در سال ۱۳۳۱ گرفتاری‌هایی پیش نیاید، آرزو دارم خدمات زیر را انجام دهم: اول، مجموعه کتاب را که حاوی فهرست کتب چاپ شده فارسی است، ماهی یک جزوه منتشر سازم؛ دوم، مجله ادبی شرق را ماهیانه به ارباب علم و ادب تقدیم دارم؛ سوم، دوره کتب ابتدایی را تکمیل و اگر بشود یک دوره کتب صحیح برای اصلاح طرز تدریس چاپ کنم؛ چهارم، با کمک انجمنی از علما و ادبا بعضی از کتب اساسی صفحه آخر را تهیه و به چاپ برسانم؛ پنجم، هرماه لااقل یک جلد کتاب نفیس به دوستان کتاب تقدیم دارم؛ ششم، پانزده هزار جلد کتابی که برای کتابخانه عمومی گردآورده‌ام، جلد کرده و فیش و صورت آن را منظم نموده به معرض استفاده بگذارم (رمضانی اول فروردین ۱۳۳۱)»



تصویر ۳. نمونه فیش فهرست نویسی کتابخانه عمومی حاجی محمد رضائی

با وجود آنکه او فیش‌هایی را برای تنظیم فهرست کتابخانه‌اش آماده‌سازی می‌کند (تصویر شماره ۳) اما از قرار معلوم نه در سال ۱۳۳۱ و نه بعدتر او موفق به فهرست نویسی این کتابخانه و آتارش نمی‌گردد. حجم بالای کتاب‌ها، مجلات و منابع چاپی دیگر و هزینه‌های بالای نگهداری

و فهرست نویسی و ... مانعی جدی برای انجام چنین کارهایی بود، چنانچه او در گفتگوهایش به این مشکلات اینچنین اشاره دارد که: «برای جلدکردن کتاب‌ها و تهیه فیش برای آنها و فهرستی که منتشر خواهد شد و همچنین محل آبرومندی که برای آن بایستی ساخته شود، احتیاج به حداقل دویست هزار تومان پول داریم. برای تهیه این پول من حاضرم سه باب مغازه کلاله خاور را با هفتاد هزار تومان کتاب موجودی آن به هر کس که مایل باشد، بفروشم. همچنین خانه‌ام نیز می‌تواند به کرایه رود و از این راه کمکی برای تأسیس کتابخانه باشد. زمینی هم در شهرری دارم که آماده فروش است. تنها استمداد من از مردم خیرخواه این است که قدمی پیش بگذارند، تا با فروش این‌ها بتوانیم وجوه مورد استفاده را تهیه کنیم» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۶)

آرزویی که بر زمین نماند

محمد رضانی در مسیر سخت و طاقت‌فرسایی که داشت به اهمیت کار و تنهایی خود واقف بود و درباره سختی و دشواری این مسیر چنین گفته بود: «من همه آرزویم این بود که بی‌سر و صدا یک کتابخانه تأسیس بکنم و برای استفاده مردم در آن را به‌رویشان بازکنم، حالا که پیرمردی هستم و آفتاب عمر به لب بام آمده است، به تکاپو افتادم که هرچه زودتر به این نیتم جامه عمل بپوشانم. چون اگر فردا بمیرم، می‌دانم که هیچ‌یک از وراثت به فکر این نیست که از حاصل یک عمر زحمت من مواظبت کند» (قاسمی، قبالة کتاب، مطبوعات، چاپ: گزیده گنجینه موقوفه محمد رضانی ۱۳۹۷، ۵۵)

رضانی در اواخر عمر کتابهایش را به قم انتقال داده بود و در خانه‌ای اجاره‌ای به‌طور موقت نگهداری می‌کرد. اما اجل به او مهلت نداد. به قول برادرش ابراهیم رضانی «کتابخانه عاقبت به خیر شد و ما به‌صورتی که ممکن بود آرزوی داداش را برآورده کردیم. تمام کتاب‌های کتابخانه را که از حساب‌های دیگر جدا بود، دست‌نخورده بسته‌بندی کردیم و با محسن [پسر محمد رضانی] به قم بردیم.» (قاسمی ۱۳۹۳، ۳۸)

کتابخانه مرحوم محمد رضانی و مجموعه منابعی که در آن گردآوری نموده بود، بعد از درگذشتش دوپاره می‌گردد. نخست کتاب‌های چاپی، نسخه‌های خطی و بخش معظمی از منابع چاپی غیرکتابی که حدود ۴۰۰۰۰ جلد را شامل می‌گردید با کوشش و عنایت حجه الاسلام مهدی گلپایگانی و برخی دیگر ورثه مرحوم رضانی این کتاب‌ها را به کتابخانه مسجد اعظم قم منتقل می‌نمایند (استادی ۱۳۶۵، ۱۱). و بخش دوم مجلات و روزنامه‌های مجموعه محمد رضانی که برای کتابخانه دانشگاه تهران خریداری می‌گردد.

نسخه‌های خطی اهدایی ایشان که بخش مهمی از مجموعه نسخه‌های خطی است که پیش از او و بعد از ایشان به این کتابخانه اضافه شده است. قدیمی‌ترین نسخه خطی اهدایی محمد رمضانی یک مجموعه با سه عنوان کتاب با این مشخصات است: کتاب فی حیلہ رفع الاثقال نوشته ایرن بن کسطنیوس؛ برهان علی جمع المربعات المتوالیه نوشته ابوحاتم مظفر بن اسماعیل اسفزاری و کتاب برهان مساحه المثلث از نویسنده‌ای ناشناخته که این مجموعه احتمالاً در سده ۶ و یا ۷ قمری کتابت شده است (استادی، حسن‌زاده و طیار مراغی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ۱۳۸۹، ۴۵۴).

در سال ۱۳۴۹ یکی از کتابداران کتابخانه مسجد اعظم حجه الاسلام عبدالغنی مهدوی صفت (۱۲۹۸-۱۳۹۰) اقدام به تنظیم فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه می‌نماید (تصویر شماره ۴). او در یک دفتر به معرفی نسخه‌های خطی منفرد و در دفتری دیگر به معرفی نسخه‌های خطی مجموعه‌ای مشتمل بر ۷۰۰ نسخه می‌پردازد.

دفتر اول که عنوانش به صورت دفتر کتب خطی با ترتیب حروف آمده است، مشتمل بر اطلاعاتی چون: شماره مسلسل، نام کتاب، تعداد مجلدات، موضوع، زبان، قفسه‌ای که کتاب در آن جای گرفته و همچنین نویسنده کتاب می‌نماید. این فهرست که به صورت دستی تنظیم و تاریخ اتمامش بر روی جلد آن ۳۰ دی ۱۳۴۹ ذکر شده است.^۱

دفتر دیگر که با عنوان مجموعه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم آمده مشتمل بر معرفی ۷۰۰ نسخه شامل اطلاعاتی چون شماره نسخه، قطع نسخه، عنوان نسخه، نویسنده و در نهایت تاریخ کتابت آن است.^۲

متأسفانه در این دفتر که در فاصله نزدیکی از اهدای کتاب‌های محمد رمضانی به این کتابخانه تنظیم گردیده، هیچ اشاره‌ای به نام اهداکننده‌گان و یا واقفان نگردیده است.

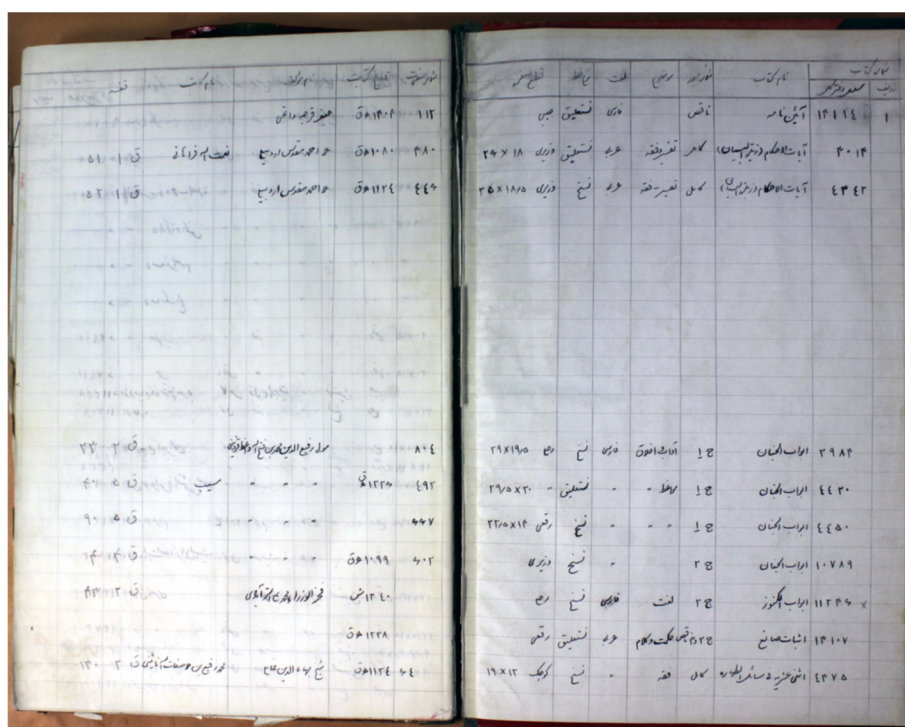
• مهدوی صفت، عبدالغنی (۱۲۹۸-۱۳۹۰)

دفتر کتب خطی با ترتیب حروف، [۲۸۸ ص]، ۱۳۴۹ ش.

مجموعه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم، ۱۳۰ صفحه، بدون تاریخ.

۱. این فهرست در حال حاضر در مخزن کتابخانه آیت الله بروجردی به شماره ۴۳۶۸ در دسترس است.

۲. این فهرست در حال حاضر در مخزن کتابخانه آیت الله بروجردی به شماره ۴۳۹۵ در دسترس است.



تصویر ۴. صفحات آغازین دفتر کتب خطی، با ترتیب حروف، عبدالغنی مهدوی صفت، ۱۳۴۹ش.

بعد از این فهرست برای اولین بار محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۷۵-۱۲۹۰) است که گزارش مختصری از نسخه‌های خطی اهدایی مرحوم رضائی به این کتابخانه ارائه می‌دهد. او بیان می‌دارد که: «در کتابخانه مسجد اعظم قم نسخه‌هایی از پیش بوده و دو هزار نسخه مرحوم رضائی وقف آنجا نموده است. خدای رحمتش کند که با این کار خیر مانع شد که این ذخائر ملی و مذهبی ما راه دیار بیگانه را پیش گیرد و آنها را از گزند مشتی دلال فرهنگ فروش رهایی بخشیده است (دانش‌پژوه ۱۳۵۳، ۲۵۴)»

بعدتر و برای اولین بار مجموع ۳۹۵۵ نسخه خطی این کتابخانه توسط رضا استادی فهرست می‌گردد که نسخه‌های اهدایی محمد رضائی به این کتابخانه را نیز شامل می‌شود که با کمال تأسف تنها در موارد کمی اشاره‌ای به نام واقف و یا اهداکننده کتاب‌ها در این فهرست نشده است.

• استادى، رضا

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، کتابخانه مسجد اعظم،

٧٢٨ + ١٦ ص، ١٣٦٥.

سالها بعد فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه مجدداً تحت اشراف رضا استادی و با همکاری دوتن دیگر از فهرست‌نویسان نسخه‌های خطی فهرست‌نویسی می‌گردد اما در این فهرست نیز هیچ اشاره‌ای به نسخه‌های خطی اهدایی محمد رضانی به این کتابخانه نمی‌گردد. عدم اشاره به سابقه تملک، وقف، اهدا و یا خرید نسخه از جمله ضعف‌های فهرست‌هایی از این دست است.

- رضا استادی؛ حسن‌زاده، صادق؛ طیار مراغی، محمود

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم (کتاب‌های عربی)، قم، دفتر

نشر برگزیده، جلد۱،

۶۲۴ص، ۱۳۸۸.

فهرست نسخه‌های خطی

کتابخانه مسجد اعظم قم

(کتاب‌های فارسی)، قم،

دفتر نشر برگزیده، جلد۲،

۸۱۶ص، ۱۳۸۸.

فهرست نسخه‌های خطی

کتابخانه مسجد اعظم قم

(مجموعه‌ها)، قم، دفتر

نشر برگزیده، جلد۳،

۶۴۷ص، ۱۳۸۹.

فهرست نسخه‌های خطی

کتابخانه مسجد اعظم قم

(مجموعه‌ها)، قم، دفتر

نشر برگزیده، جلد۴،

۷۶۸ص، ۱۳۸۹.

- حسن‌زاده مراغه‌ای، حسین

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم (نمایه‌ها)، دفتر نشر برگزیده،

جلد۵، قم، نجفی، ۵۷۲ص، ۱۳۹۲.

بخش بزرگ اهدایی مجموعه محمد رضانی به کتابخانه مسجد اعظم را منابع چاپی تشکیل می‌دهد که بیش از ۴۰ هزار جلد کتاب را مشتمل می‌گردد. این کتاب‌ها شامل مجموعه



تصویر ۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم

ارزشمندی از کتاب‌های چاپی کهن و جدید به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، اردو و لاتین را شامل می‌گردد. قدیمی‌ترین کتاب چاپی در این مجموعه کتاب الشفاء ابوعلی سینا منتشره در چاپخانه مدیچی روم در سال ۱۵۹۷م است.

اولین بار بعد از گذشت دوازده سال است و در سال ۱۳۵۸ است کتابدار کتابخانه مسجد اعظم عبدالغنی مهدوی صفت اقدام به تهیه فهرستی از کتاب‌های محمد رضانی در این کتابخانه می‌نماید (تصویر شماره ۶). این کتاب‌ها از قرار معلوم در قفسه‌های مشخصی در این کتابخانه جانمایی شده بودند. از قفسه ۷۶ (۱۸۳ جلد)؛ قفسه ۷۷ (۹۱ جلد)؛ قفسه ۷۸ (۱۳۶ جلد)؛ قفسه ۷۹ (۱۴۰ جلد)؛ قفسه ۸۰ (۹۹)؛ قفسه ۸۱ (۱۱۲)؛ قفسه ۸۲ (۸۶)؛ قفسه ۸۳ (۱۴۰)؛ قفسه ۸۴ (۱۸۷)؛ قفسه ۸۵ (۱۳۶)؛ قفسه ۸۶ (۱۵۳)؛ قفسه ۸۷ (۱۶۷)؛ قفسه ۸۸ (۱۸۷)؛ قفسه ۸۹ (۱۷۶)؛ قفسه ۹۰ (۱۳۲)؛ قفسه ۹۱ (۱۷۸)؛ قفسه ۹۲ (۲۷۲)؛ قفسه ۹۳ (۵۲۱)؛ قفسه ۹۴ (۴۴۱)؛ قفسه ۹۵ (۳۸۵)؛ قفسه ۹۶ (۲۰۶)؛ قفسه ۹۷ (۲۱۶)؛ قفسه ۹۸ (۲۲۳)؛ قفسه ۹۹ (۸۵)؛ قفسه ۱۰۰ (۱۳۹)؛ قفسه ۱۰۱ (۱۵۵)؛ قفسه ۱۰۲ (۱۰۹)؛ قفسه ۱۰۳ (۱۲۷)؛ قفسه ۱۰۴ (۱۷۵)؛ قفسه ۱۰۵ (۲۵۴)؛ قفسه ۱۰۶ (۱۹۲)؛ قفسه ۱۰۷ (۱۹۴)؛ قفسه ۱۰۸ (۱۷۶)؛ قفسه ۱۰۹ (۲۱۰)

تصویر ۱. کتب قفسه‌های حاج محمد رضانی، عبدالغنی مهدوی صفت، [۱۳۵۸]

این فهرست به شکلی ساده تنها در سه ستون شامل اطلاعات: ردیف؛ مسلسل کل؛ نام کتاب؛ شماره مجلد می باشد که در هر صفحه در دو ستون مجزا به صورت اختصاری این اطلاعات درج گردیده است. در مجموع ۶۳۸۳ عنوان کتاب در این فهرست ثبت گردیده که طبقاً بخش کوچکی از کتاب هایی است که توسط محمد رضانی به این کتابخانه اهدا شده است.

• مهدوی صفت، عبدالغنی (۱۳۹۰-۱۲۹۸)

کتب قفسه های حاج محمد رضانی کلاله خاور، [۱۳۵۸]

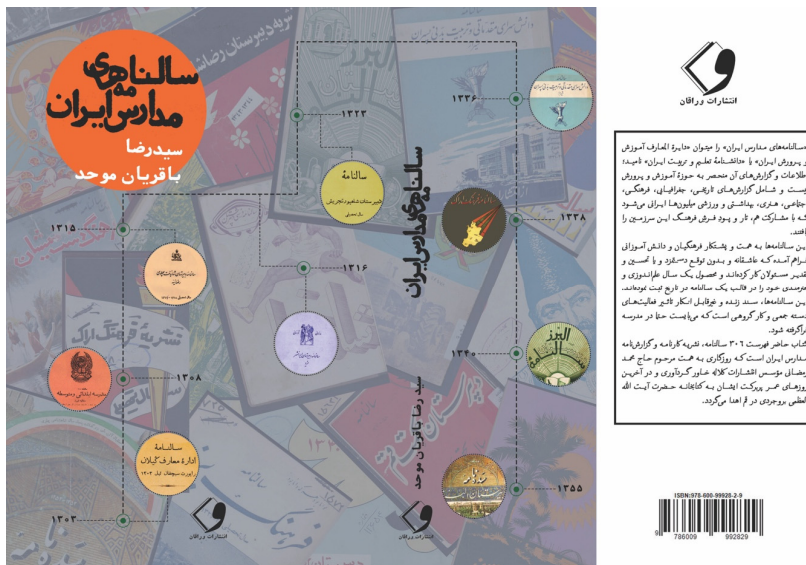
در سال ۱۳۸۹ نویسنده این سطور پیشنهاد فهرست نویسی و دیجیتال سازی منابع چاپی کهن این کتابخانه را با مدیریت کتابخانه مطرح نمود و پس از با استفاده از تیمی مجرب کار فهرست نگاری منابع چاپی کهن شامل کتاب های چاپی فارسی، عربی، ترکی، اردو منتشره از سال ... تا سال ۱۳۵۷ شمسی به صورت دسته بندی شده شامل کتاب های چاپ سنگی؛ چاپ سربی قدیم؛ چاپ سربی جدید؛ کتاب های درسی آغاز گردید. بخش اعظم این پروژه تقریباً تا سال ۱۳۹۳ فهرست نویسی و دیجیتال سازی گردید و به صورت آنلاین بر روی وب سایت این کتابخانه در دسترس عموم قرار گرفت. اما کمتر از یک دهه بعد چاپ و انتشار این منابع نیز با حمایت نشر وراقان انجام گردید تا طیف بیشتری از پژوهشگران بتوانند به منابع چاپی کهن این کتابخانه دسترسی پیدا نمایند. در همین راستا تا به امروز فهرس ذیل که دارای بخش معظمی از منابع چاپی اهدایی محمد رضانی به این کتابخانه هستند در این کتابخانه سازماندهی گردیده است:

۱۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴

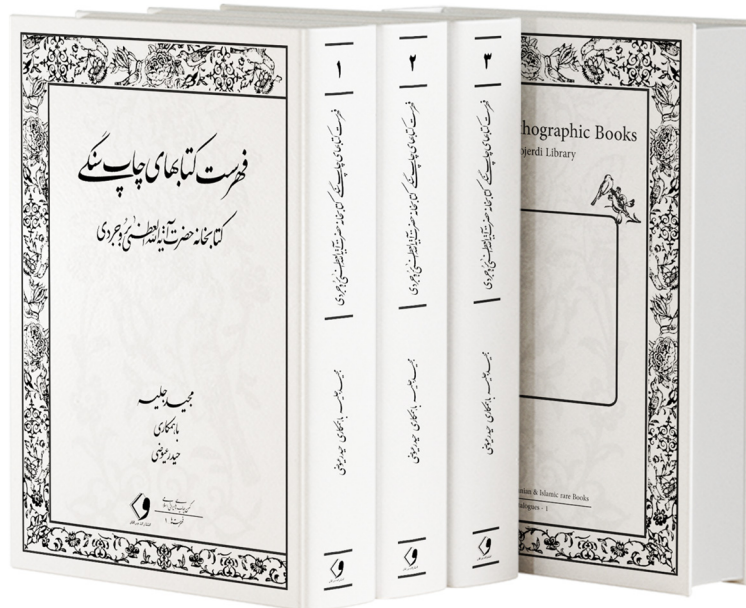
- باقریان موحد، سیدرضا، ۱۳۵۳-، گردآورنده
فهرست سالنامه های مدارس ایران (گنجینه موقوفه حاج محمد رضانی در کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی قم)، قم، وراقان، ۳۲۴ ص، عکس، ۱۴۰۰. (۳۶۰ جلد)
- جلیسه، مجید؛ عیوضی، حیدر
فهرست کتابهای چاپ سنگی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (مسجد اعظم)، قم، وراقان، ۴ جلد، ۲۱۶۱۰ ص، ۱۴۰۲. (۷۹۶۷ جلد)
- جلیسه، مجید؛ امید، معصومه
فهرست کتابهای درسی کتابخانه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (مسجد اعظم)، قم، وراقان، ۲ جلد، ۱۴۰۲.
- حاج باقریان، طیبه
فهرست آیین نامه ها، اساس نامه ها، نظام نامه ها ... کتابخانه حضرت آیت الله العظمی بروجردی (مسجد اعظم)، قم، وراقان، ۵۳۳ ص، ۱۴۰۳. (۱۲۹۵ جلد)

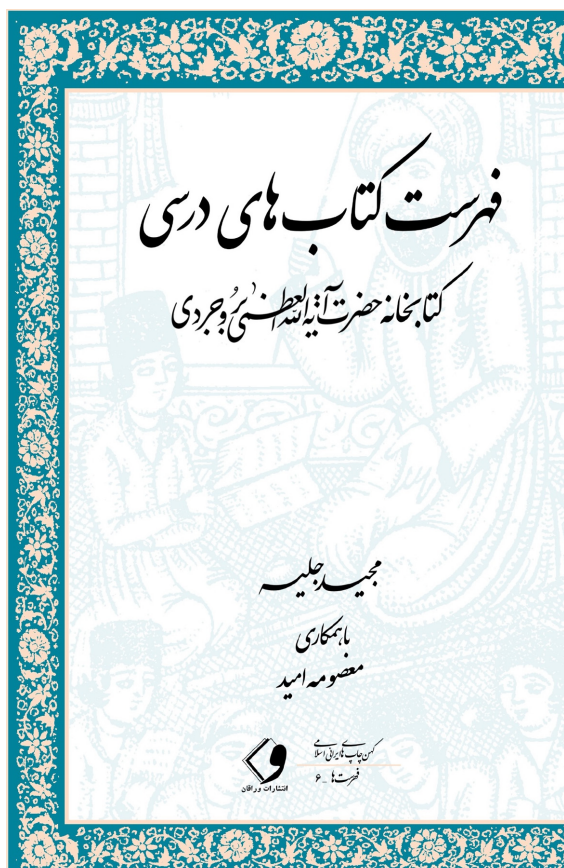
فهرست‌ها مجموعه‌ها تاکنون بیش از ۱۵ هزار جلد از کتاب‌های اهدایی مجموعه محمد رمضان به کتابخانه مسجد اعظم قم در قالب این فهارس چاپی منتشر گردیده است. که البته با توجه به ادامه تلاش‌ها برای فهرست‌نگاری و مستندسازی بقیه اطلاعات امید آن می‌رود که بزودی بقیه اطلاعات این کتاب‌ها نیز چاپ و منتشر گردد.



۱۵۸

آینه پژوهش | ۲۱۴
سال ۳۶ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۴





۱۵۹

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

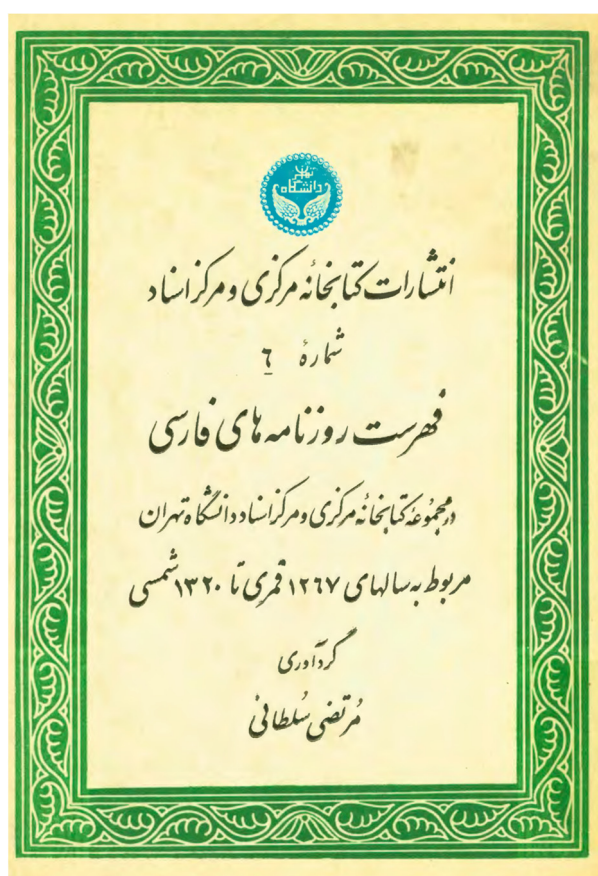
بعد از درگذشت محمد رضانی و در سال ۱۳۴۶ بخش مجلات و روزنامه‌های مجموعه محمد رضانی برای کتابخانه دانشگاه تهران خریداری می‌گردد. افشار در تمجید از این مجموعه اینچنین می‌نویسد:

«همچنین مجموعه کم نظیر جراید و مجلات فارسی‌ای باید نام آورد که متعلق به مرحوم محمد رضانی، صاحب کلاله خاور بود و با رنج و شوقی کم‌مانند در طول سالیانی چهل آنها را جمع‌آوری کرده بود و بدون تردید یکی از نوادر این نوع مجموعه در جهان است» (Afshar، ۱۴۰۱، ۱۳۲) او تعداد عناوین این مجلات را ۲۰۰۰ عنوان برمی‌شمارد (Afshar، ۱۴۰۱، ۱۴۲). واسطه این اتفاق فردی به نام بارفتنی از مدیران کتاب‌فروشی شمس در خیابان ناصرخسرو تهران و داماد مرحوم رضانی بود و با کمک او بود که روزنامه‌ها و مجله‌های مجموعه رضانی به کتابخانه دانشگاه تهران منتقل می‌گردد (Afshar، ۱۴۰۱، ۳۳۳).

بعد از خرید این مجموعه فهرست نگاری این بخش از مجلات و روزنامه‌ها بعد از خرید توسط مرتضی سلطانی انجام و اولین مجلد از این فهرست بعد از گذشت هشت سال با مشخصات زیر منتشر می‌گردد:

فهرست روزنامه‌های فارسی در مجموعه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران: مربوط به سالهای ۱۲۶۷ قمری تا ۱۳۲۰ شمسی، گردآوری مرتضی سلطانی، تهران، چاپ بهمن، آبان ۱۳۵۴.

فهرستی بر اساس نام نشریات که به ترتیب الفبائی مرتب شده است و ضمن ارائه اطلاعاتی از مؤسس، صاحب امتیاز، سردبیر و ... به سال تأسیس و شماره‌های موجود از آن در کتابخانه دانشگاه اشاره می‌گردد. در این فهرست در مجموع ۳۶۵ عنوان روزنامه و مجله که طی یکصد سال منتشر شده است معرفی می‌گردد. بخش پایانی این فهرست نیز دربردارنده تصاویر منتخبی از این نشریات است.



نتیجه‌گیری

در نبود سازوکاری قانونی و هدفمند برای شناسایی، حفاظت و نگهداری منابع چاپی در دوره قاجار و فقدان کتابخانه یا کتابخانه‌های دولتی برای این مهم این کتابخانه‌های شخصی و همت بالای اشخاص دلسوز و علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی بود که موجب حفظ و انتقال این قبیل منابع از دوره قاجار به دوره پهلوی و پس از آن گردید. در این میان محمد رمضانی به‌عنوان فردی خبره در امر کتابشناسی که نیت ایجاد یک کتابخانه عمومی بزرگ را در سر می‌پروراند توانست به‌خوبی و با دقت و وسواس فراوان حجم بالایی از منابع چاپی کهن منتشره در دوره قاجار و دوره پهلوی اول را شناسایی و جمع‌آوری نماید. هرچند او هیچ‌گاه نتوانست آرزوی خود برای تأسیس یک کتابخانه عمومی بزرگ را محقق سازد اما با حفظ این کتاب‌ها و انتقال آنها به دو کتابخانه بزرگ مسجد اعظم قم و کتابخانه مرکزی نقشی بی‌بدیل برای انتقال و تداوم میراث مکتوب در گذر از قاجار به پهلوی را ایفا نمود.

فهرست منابع

- آذرنگ، عبدالحسین و علی دهباشی. ۱۳۹۳. تاریخ شفاهی نشر ایران. تهران: ققنوس.
- استادی، رضا. ۱۳۶۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم. قم: کتابخانه مسجد اعظم قم.
- استادی، رضا، صادق حسن‌زاده و محمود طیار مراغی. ۱۳۸۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، جلد ۲. ۵ جلد. قم: دفتر نشر گزیده.
- افشار، ایرج. ۱۴۰۱. این دفتر بی‌معنی. تهران: سخن.
- پوراحمد جکتاجی، محمدتقی. ۱۳۵۷. تاریخچه کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. ۱۳۵۳. «یادگار سفر قم» در عامری‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، ۲۴۷-۲۶۳. تهران: یغما.
- رمضانی، محمد. اول فروردین ۱۳۳۱. «یادداشت سردبیر». مجله شرق ۱.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ۱۳۸۹، جلد ۳. ۵ جلد. قم: دفتر نشر برگزیده.
- قاسمی، فرید. ۱۳۹۳. محمد رمضانی. تهران: خانه کتاب.
- قاسمی، فرید. ۱۳۹۷. قبالة کتاب، مطبوعات، چاپ: گزیده گنجینه موقوفه محمد رمضانی. تهران: خانه کتاب.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود. ۱۳۸۲. قرائت‌خانه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۱۱ شمسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- نصر، سید حسین. یاد رفتگان: خسرو مستوفی. ایران‌نامه، پاییز ۱۳۷۱، شماره ۴۰، ص ۷۸۷.
- موقر، مجید. ۱۳۱۲. «تفریط طبع جدید شاهنامه از طرف مؤسسه خاور». مهر ۲۶۴.
- Mostofi, Khosrow, interview by Everett Cooley. 1985. Khosrow Mostofi, Salt Lake City, Utah: an interview by Everett Cooley (17 09).